

انسان‌شناسی فرهنگی شهر تهران

گروه نویسندگان

زیر نظر ناصر فکوهی

دانشیار دانشگاه تهران و مدیر «انسان‌شناسی و فرهنگ»

www.ketab.ir

بسم الله الرحمن الرحيم
هست کلید در گنج حکیم

عنوان و نام پدیدآور :	انسان‌شناسی فرهنگی شهر تهران / نویسنده: گروه نویسندگان، زیر نظر ناصر فکاهی.
مشخصات نشر :	تهران: تیسرا، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری :	۵۱۶ ص.؛ جدول، نمودار؛ ۲۱×۱۴/۵.
فروست :	فرهنگ و اجتماع؛ ۸۴ شهروندی؛ ۴۷.
شابک :	۳۵۰۰۰۰ ریال؛ ۱-۳۵-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی :	فیا
موضوع :	انسان‌شناسی - ایران - تهران
موضوع :	خرده‌فرهنگ - ایران - تهران
موضوع :	کثرت‌گرایی فرهنگی - ایران - تهران
موضوع :	بوم‌شناسی انسانی - ایران - تهران
شناسه افزوده :	فکوهی، ناصر، ۱۳۳۲ -
رده‌بندی کنگره :	۱۳۹۵ ۸ الف ۹ الف / ۱۷/۳ GN
رده‌بندی دیوبی :	۳۰۱/۰۹۵۵۱۲۲
شماره کتابشناسی ملی :	۴۰۹۶۹۱۶



معاونت امور اجتماعی و فرهنگی
اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی



انسان‌شناسی و فرهنگ
ANTHROPOLOGY AND CULTURE

انسان‌شناسی فرهنگی شهر تهران

گروه نویسندگان: زیر نظر دکتر ناصر فکوهی

سفارش دهنده: اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران

مدیر تولید: سید محمدرضا بهلول

ناشر: انتشارات تیسرا

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۵، شماره نشر: ۲۱۳

ویراستار: مینا سعیدی ملک، صفحه‌آرا: سپیده امری

لیتوگرافی: البرز نوین، چاپ: عطاء، صحافی: ساغر مهر

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه، قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان، شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۳-۳۶-۱

همه حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ است. استفاده از مطالب با ذکر منبع بلااشکال است.

معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران

تهران، بزرگراه شهید گمنام، ابتدای بزرگراه کردستان، تلفن: ۹۶۰۲۱۵۰۰

- پیشگفتار: شهری که به شهر، شهری که هستیم؛ شهری که شاید باشیم..... ۱۱
- درآمدی بر انسان‌شناسی زندگی تهران..... ۱۷
- فصل یکم: تهران: شهر تاریخ..... ۴۵
- فاطمه سیارپور
- تهران؛ شهر اولین‌ها..... ۴۹
- مقصودی مناسب برای گروه‌های مختلف مهاجران..... ۵۳
- کاوشی در علل مهاجرت..... ۶۱
- مهاجرت با تهران چه کرد؟..... ۶۷
- حذف تدریجی کشاورزی در راستای کمک به شهر شدن فضای تهران..... ۶۷
- رشد پویایی‌های فضایی شهر..... ۷۰
- چندفرهنگی شدن تهران و بازتولید فرهنگی متفاوت خرده‌فرهنگ‌ها در آن..... ۷۱
- نیم‌رخ اجتماعی محلات تهران..... ۷۵
- تبدیل شدن غیررسمی گونه‌زبانی تهرانی به گونه رسمی کشور از طریق رسانه‌ها..... ۷۵
- پیدایش هویت تأثیرگذار تهرانی و تشدید دوگانه تهرانی / غیرتهرانی..... ۷۸
- پیدایش و تشدید «سبک زندگی تهرانی» برای ایرانی‌ها..... ۸۲
- مرکزیت سرمایه و توسعه..... ۸۵
- تبدیل تهران به شهری با کارکردهای چندگانه..... ۸۶
- توسعه و تأسیس نخستین بنگاه‌های اقتصادی و فضایی برای رشد اقتصاد سرمایه‌ای..... ۸۷
- تأسیس و رشد روزافزون نهادهای مختلف..... ۸۸
- میزبانی رویدادهای منحصربه‌فرد در حوزه‌های مختلف..... ۸۸

- ۹۰..... پیدایی موضوع معماری مدرن
- ۹۲..... نتیجه‌گیری
- ۹۵..... فصل دوم: موزه سردرگمی‌های زیست‌محیطی
- ۹۸..... چالش میان اکوسیستم‌های انسانی و طبیعی در شهر تهران
- ۹۹..... آب؛ به‌هم‌پیوستگی اکوسیستم‌ها با چرخه‌ها
- ۱۰۰..... آب؛ فشار بر روی منابع طبیعی و تنش منطقه‌ای برای تأمین آن
- ۱۰۱..... آب؛ مسیر جریان‌های سطحی و تهدید سکونتگاه‌ها
- ۱۰۳..... هوا؛ الگوهای شهرسازی، مصرف خودرو و آلودگی
- ۱۰۴..... هوا؛ شهر ناهمگون؛ ریزگی‌های اقلیمی و مختل شدن جریان‌های آب و هوایی
- ۱۰۴..... هوا؛ تأثیر تحرک محرومیت در سطح بین‌المللی بر شرایط هوایی تهران
- ۱۰۵..... هوا؛ واکنش زیست‌بوم به فشار و آلودگی از طریق ایجاد جزیره گرمایش شهری
- ۱۰۵..... خاک؛ تشدید پیامدهای انسانی و کالبدی زلزله با ساخت‌وساز غیراصولی
- ۱۰۶..... خاک؛ رهاسازی زباله و فاضلاب و آلودگی اکوسیستم شهری
- ۱۰۶..... خاک؛ بحران زباله در نتیجه میزان مصرف و نداشتن فرایند بازیافت
- ۱۰۷..... پهنه‌های طبیعی؛ گسترش شهر، تخریب زیست‌بوم و تهدید جمعیت انسانی
- ۱۰۷..... پهنه‌های طبیعی؛ عدم توجه به محافظت و بومی‌سازی پارک‌های شهری
- ۱۰۸..... پهنه‌های طبیعی؛ عدم تجانس مناطق شهری
- ۱۱۳..... دلایل فرهنگی مشکلات زیست‌محیطی تهران کدام است؟
- ۱۱۴..... فرهنگ و الگوی مکان‌یابی پهنه‌های طبیعی برای ساخت سکونتگاه
- ۱۲۴..... فرهنگ مصرفی و ارتباط شهروندان با منابع طبیعی
- ۱۳۳..... آگاهی زیست‌محیطی
- ۱۳۳..... فقدان ارتباط مستقیم شهروندان تهرانی با طبیعت و کاهش ارزش‌گذاران
- ۱۳۴..... نبود دانش حفاظت از محیط‌زیست و پیامدهای تخریب
- ۱۳۵..... نتیجه‌گیری
- ۱۳۶..... محیط‌زیست و نابرابری اجتماعی/ فضایی
- ۱۳۶..... ارزش اقتصادی زمین و تخریب زیست‌بوم
- ۱۳۷..... تخریب محیط‌زیست و افزایش هزینه‌های زندگی ساکنان
- ۱۳۷..... چرخه تخریب محیط‌زیست؛ شیوه‌های مصرف‌گرایانه مقابله با آلودگی
- ۱۳۷..... نابودی منابع طبیعی، مانع تحرک اجتماعی برخی مناطق شهری
- ۱۳۸..... عدم شکل‌گیری تعلق هویتی و نقش محیط‌زیست در آن

سلطه بر طبیعت با محور قرار دادن مصرف ۱۳۹

فصل سوم: تأملاتی فرهنگی در باب زمان پایتخت ۱۴۱

مهرداد امامی

شهر و زمان روزمرگی ۱۴۳

زمان اقتصادی شده و مقاومت فرهنگ در برابر آن ۱۴۷

تهران؛ شهر مصرف طبقاتی زمان ۱۵۵

مسئله زمان‌های تلف شده در تهران ۱۵۷

تأملاتی در خل‌های گوناگون زمان با زمان روزمرگی ۱۷۰

مسائل ناشی از تحولات رسمی و غیررسمی ۱۷۰

زمان‌های انزاجاری در تهران ۱۷۵

ضرورت تغییر نگاه به محور زمان ۱۸۳

فصل چهارم: شهری که با خانه‌هاش ساخته شد ۱۹۱

زهرا (منیره) غزنویان

تراکم؛ مقوله‌ای بیولوژیک و فرهنگی ۱۹۵

تهران و بحران تراکم ۱۹۷

تراکم و دگردیسی کالبدی خانه در تهران ۲۰۰

تراکم و کالایی شدن خانه در تهران ۲۰۲

تراکم، خانه و روابط اجتماعی ۲۰۶

تراکم، خانه و سبک زندگی ۲۱۳

تراکم، خانه و شهر ۲۲۲

نتیجه‌گیری عمومی ۲۲۵

فصل پنجم: تهران: تجلی دو قدرت ۲۲۹

سالار اجتهادزاد کاشانی

گونه‌شناسی قدرت در تهران ۲۳۲

قدرت و فرهنگ ۲۴۹

مقاومت در برابر قدرت ۲۵۸

مجادلات قدرت ۲۶۰

نتیجه‌گیری ۲۶۲

فصل ششم: آنچه به دست می‌آید؛ آنچه از دست می‌رود..... ۲۷۱

زهره نظام‌محله

استراتژی‌های تهرانی‌ها برای غلبه بر این شکاف..... ۲۸۲

گونه‌شناسی برخی مشاغل غیررسمی در تهران..... ۲۸۷

ساختارهای غیررسمی حمایت اقتصادی در تهران..... ۲۹۹

نتیجه‌گیری..... ۳۰۳

فصل هفتم: شهر هویت‌های چهل تکه..... ۳۰۵

حامد جلیلود

تهران، مدیریت شهری و هویت..... ۳۱۱

تنوعات هویتی در تهران..... ۳۱۷

هویت‌های سیاسی..... ۳۱۸

هویت‌های جنسیتی..... ۳۱۹

هویت‌های فراغتی..... ۳۲۱

هویت‌های صنفی..... ۳۲۲

هویت‌های قومی و محلی..... ۳۲۳

هویت‌های ورزشی..... ۳۲۷

هویت‌های زیست‌محیطی..... ۳۲۸

هویت‌های ناشی از معلولیت و بیماری‌های خاص..... ۳۲۹

هویت‌های علمی..... ۳۳۰

هویت‌های دانشجویی..... ۳۳۱

هویت‌های فراملی..... ۳۳۲

هویت‌های دگردوستانه..... ۳۳۳

هویت‌های مجازی..... ۳۳۴

نتیجه‌گیری..... ۳۳۵

فصل هشتم: گم شدن در شهر..... ۳۳۹

مریم حسین‌یزدی

شهر خوانا..... ۳۴۱

گم‌کرده راه‌ها..... ۳۴۳

گره افتادن بر گره‌های شهری تهران..... ۳۵۲

در میانه بازی رنگ و نور و تصویر..... ۳۵۴

۳۵۵	 روشنائی و منابع نوری
۳۷۱	 افراد مختلف چگونه شهر را می‌خوانند؟
۳۷۵	 گونه‌شناسی مؤلفه‌های مسیریابی
۳۸۰	 نتیجه‌گیری

فصل نهم: آسیب‌های پایتخت نیمه‌ساز..... ۳۸۳

شایسته مدنی لواسانی	
۳۸۹	 مرور بر بازمای آسیب‌های اجتماعی در نظام علمی و رسمی
۳۹۲	 بازمای آسیب‌های اجتماعی در نظام غیررسمی
۳۹۵	 آسیب‌های کالبدی پایتخت نیمه‌ساز
۴۰۰	 فراغت‌های آسیب‌زا
۴۰۷	 تعاملات سطح آسیب‌زا
۴۱۴	 مشاغل کاذب و نوپایید
۴۱۶	 نتیجه‌گیری

فصل دهم: قصه‌ها و غصه‌های یک شهر..... ۴۱۷

زهراملوکی	
۴۲۰	 هویت شهر تهران در ادبیات داستانی
۴۲۲	 محیط طبیعی تهران
۴۲۳	 محیط مصنوع تهران
۴۲۷	 محیط انسانی تهران و کنشگران آن
۴۲۸	 ناشناسی در شهر
۴۳۰	 ناپاکی در تهران
۴۳۱	 تهران در ادبیات داستانی متأخرتر
۴۳۳	 نتیجه‌گیری تهران در ادبیات داستانی
۴۳۹	 هویت شهر تهران در شعر
۴۴۲	 طبیعت تهران
۴۴۳	 تهران کهنه در مقابل تهران نو (مدرنیزاسیون)
۴۴۵	 ناپاکی در تهران
۴۴۶	 آشفتگی و تضاد در تهران
۴۴۷	 روزمرگی و خمودی
۴۴۸	 تهران در مقابل شهرستان

۴۵۰.....	تهران سیاست
۴۵۱.....	وطن‌بودگی و احساس تعلق به تهران
۴۵۲.....	تنهایی و حسرت
۴۵۳.....	نتیجه‌گیری تهران در شعر
۴۵۴.....	هویت شهر تهران در سینمای داستانی و مستند
۴۵۷.....	جدال شهر در مقابل روستا
۴۵۸.....	طبیعت تهران
۴۵۹.....	مدیراسیون
۴۶۱.....	موزان
۴۶۳.....	فراغت
۴۶۴.....	آشفته‌گی تضاد
۴۶۵.....	روزمرگی
۴۶۶.....	مسکن
۴۶۷.....	ناهنجاری، نوگرایی، اعتراض
۴۶۸.....	تهران سیاسی
۴۶۹.....	نتیجه‌گیری تهران در سینمای مستند و داستانی
۴۷۰.....	هویت تهران از نگاه غیرتهرانی‌ها
۴۷۱.....	تهران از نگاه شهرستانی‌ها
۴۷۳.....	تهران از نگاه غیرایرانی‌ها
۴۸۱.....	نتیجه‌گیری
۴۸۶.....	نتیجه‌گیری عمومی
۴۹۸.....	کتابنامه

بیسگفتار: شهری که بودیم؛ شهری که هستیم؛ شهری که باید باشیم

کمی بیش از دویست سال پیش زمانی که شاهان قاجار، شاید بیش از هر چیز برای فاصله گرفتن از پیشینه سلسله قلی، ناگهان پایتخت پرشکوه صفویان را به فراموشی سپردند و روستایی را که در حال بدل شدن به شهری در دامنه‌های دماوند بود، برای پایتخت شدن انتخاب کردند. کمتر کسی می‌توانست تصور کند که در چند صد سال، این پهنه نیمه‌روستایی - نه شهری با جمعیت کمتر از ۲۰ هزار نفر از مردمانی که اگرچه کشاورز بودند، اما زندگی خود را از هر راهی، از جمله یورش بردن به کاروان‌هایی که از شمال ایران می‌گذشتند، تأمین می‌کردند، به شهری بزرگ با جمعیتی نزدیک به ۱۲ میلیون نفر یکی از بزرگ‌ترین کلان‌شهرهای جهان بدل شود؛ شهری که گویی در تمام این چند قرن به همان میزان که بزرگ و بزرگ‌تر شده است بر گستره مشکل‌ها و مسائلش نیز به طور تصاعدی افزوده شده است.

این مشکلات البته با شتابی یکسان افزایش نیافتند: تا نیمه قرن بیستم، اگرچه تهران هر روز بزرگ‌تر می‌شد و انقلاب مشروطه و دوران پهلوی اول نیز آن را به سوی یک مدرنیته الگوبرداری‌شده از «فرنگ» قاجارها و آلمان

رضاشاه کشیده بود، اما این مدرنیته به مثابه امری برون‌زا، تنها توانسته بود برخی از کالبد‌های مادی مدرنیته را در سطح شهر پیاده کند و تا دهه ۱۳۴۰ که درآمدهای نفتی ایران بالا رفت، برای گسترش سریع و کالبدسازی شهری امکانی وجود نداشت. اما چه در آن زمان و چه بعدها، این شهر نه تنها در زمینه فرهنگی موفقیت درخوری نداشت، بلکه حتی در سطح کالبدی نیز، تنها بخش‌های کوچکی از شهر توانسته بودند شباهتی ظاهری به اروپای آرمانی پیدا کنند.

ما ایده حرکت به سوی اروپا، که هم‌زمان با ایران، در ترکیه آتاتورک نیز در نزد گروه‌های حاکم بسیار جدی گرفته شده بود، موضوعی بسیار اساسی بود، زیرا از همان زمان به تفکری شکل داد که می‌توان گفت بسیار جان‌سخت بود: این تفکر که با تمرکز بر کالبد فیزیکی می‌توان محتوای فرهنگی - اجتماعی مطلوب را نیز در آن به وجود آورد؛ مدرسه‌ای بسازیم تا مردم اهمیت آموزش را درک کنند؛ بیمارستانی تأسیس کنیم تا بفهمند؛ و دانشگاهی تا پژوهش‌های عالی را در فرهنگشان ایجاد کنند. تقریباً تمام طرح‌های توسعه‌ای که از ابتدای قرن بیستم تا انتهای آن، یعنی در طول بیش از یک دهه سال در ایران به اجرا درآمد، فرض یادشده را به مثابه یک اصل موضوعه در نظر داشت و بحث را تنها بر جنبه‌های فرعی این اصل روا می‌داشت، بی‌آنکه درگیر پیچیدگی‌ها شود که شاید راه دیگری نیز وجود داشته باشد، شاید ترکیب دیگری بی‌توسعه، به جز توسعه فقط کالبدی و در انتظار نشستن برای رشد خودبه‌خود فرهنگ در آنها، و بدتر از آن سیاست آمرانه فرهنگی که به شکل گسترده‌ای در دوران حاکمیت پهلوی اول و دوم به کار برده می‌شد، بتوان پیدا کرد. نتیجه پیش‌بینی ماست: امروز در آغاز قرن بیست و یکم، نزدیک به صد و ده سال پس از آرزوی آرمانی مشروطیت برای ایجاد پهنه‌ای آباد، با سازوکاری عادلانه و پیشرفته که هیچ چیز کم از «فرنگ» نداشته باشد، بیشتر بحث‌ها درباره مدرنیته هنوز از نقطه ابتدایی جلوتر نرفته است؛ هنوز بحث بر سر آن است که در توسعه کالبدی، تکلیف فرهنگ چه می‌شود؟ چطور باید مردم را تشویق به قانون‌مداری کرد؟ چطور باید عناصر تمدنی، شهروندی و شهرنشینی را در

افرادی که بیش از نیم قرن است بیشترشان در شهرها زندگی می‌کنند، درونی کرد؟

این امر نشان می‌دهد مسیری که در این یک‌صدساله در پیش گرفته شده است، راهی خیالی و زاییده توهم بوده که جز به موقعیت آسیب‌زده و آسیب‌زایی که امروز برای تشریح وضعیت شهری ما به طور عام، و شهر تهران به طور خاص به کار می‌رود، نمی‌توانست برسد. امروز بیش از هر زمانی و با فرصتی که تر از هر زمان دیگر، نیازمندیم که بار دیگر شهر و شهرنشینی را از زاویه‌ای دیگر به پرسش بکشیم، و یا به بیانی بهتر موقعیت خود را در این فرایند درک کنیم. با این کار الگوبرداری‌های سطحی‌نگرانه‌ای که بارها و بارها تکرار شده است، بیشک بدترین کاری است که می‌توان انجام داد. اگر باریون هوسمان در همه‌ترین زمان، شهر پاریس را در هم کوید و پاریس مدرن را ساخت تا از آن «پایتختی برای درنیت» (به تعبیر دیوید هاروی) بسازد، در همان زمان نه تنها دیکتاتور فاشیست‌ها همچون ناپلئون سوم را پشت سر خود داشت، بلکه هیچ‌یک از دستاوردها، دکالیک نیز به این حد رشد نکرده و جهان و مردمانش را به این صورت به یکدیگر پیوند نداده بود.

از این رو پروژه‌های مبتنی بر اراده‌گرایی‌های آن‌هایی که نمونه‌های تاریخی آن را می‌توان در دوره رضاشاه در ایران دید و ظاهراً مدل‌های یک «دیکتاتوری روشنگرانه» بوده است که روشنگران آن زمان به تقلید از این‌ها باور داشتند، امروز هیچ ارزش تحلیلی یا عملی ندارد. برعکس، امروز مشخص است که تنها نمونه‌های توسعه‌ای که توانسته است در طول صد سال اخیر توسعه‌های به‌نسبت پایدار برسد، بر اساس مدل‌های فرهنگی و اجتماعی استوار بوده است، بدون آنکه البته سهم اساسی کالبد و مهندسی و ارزیابی‌ها و محاسبه‌ها و دانش و مهارت شهرسازی و تجربه‌های تاریخی در این زمینه را به فراموشی بسپاریم که سهمی آشکار است.

این امری است که سازمان ملل را واداشت در کنار تبیین شاخص‌های توسعه انسانی، این توسعه را دیگر نه بر اساس فقط عوامل و معیارهای مادی و کالبدی، بلکه بر اساس مجموعه‌ای گسترده، متکثر و پیچیده از همه شاخص‌ها

محاسبه کند، و در این راه نیز فرایند «ارزیابی اجتماعی طرح‌های توسعه‌ای»^۱ را به همه کشورهای جهان تحمیل کرد. به‌طوری‌که در کشور خود ما در فرایندی که نه تنها منجر به جا افتادن این پروژه‌ها، بلکه افزودن بند فرهنگی به آنها برای ایجاد پروژه‌های «اتاف» یعنی ارزیابی اجتماعی فرهنگی طرح‌های توسعه‌ای مطرح و قانونی شد، می‌توان دست‌کم تلاشی را برای یافتن راه‌حل‌هایی اساسی برای توسعه شهری پایدار مشاهده کرد.

روم آوردن شهرداری‌های کشور به مطالعات فرهنگی، و ازجمله مطالعه حاضر که در قالب یک کتاب عرضه می‌شود و نتیجه یکی از این پژوهش‌ها بر شهر تهران بوده است، امری مثبت است و شاید بتواند ما را به مسیر درست بازگرداند. اگرچه انتقال معجزه را نیز نمی‌توان داشت؛ زیرا بیراهه‌هایی را که بیش از صد سال نیال شده است نمی‌توان در چند سال جبران کرد. اما می‌توان راه‌ها و روش‌هایی را برای انکسار دیگر به یک بیراهه جدید نیفتیم در آن پیش‌بینی کرد.

حدود ده سال پیش در کتاب انسان‌شناسی شهری پایه‌های رویکردی جدید به مسئله شهر گذاشته شد. در همان‌جا بخش مفصلی به انسان‌شناسی شهری ایران اختصاص داشت که درواقع طرح‌هایی برای مطالعات بعدی بود؛ مطالعاتی که کتاب حاضر را می‌توان یکی از نمونه‌های آن به شمار آورد. تلاش ما در این کتاب آن بوده است که اندیشه انسان‌شناسی از خلال تحلیلی مدرن پیش ببریم، تحلیلی که مؤثر بودن خود را در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در قالب آنچه امروز «توسعه شهری پایدار» نامیده می‌شود، نشان داده است. برای این کار، گروهی از بهترین متخصصان به کار گرفته شده‌اند و در چهارچوب کاری جمعی و آینده‌نگر، و با استفاده از روش‌هایی که بسیاری از آنها برای نخستین بار در نظام‌های دانشگاهی و پژوهشی ما به کار گرفته می‌شود (برای نمونه بازنمایی‌های تصویری و ادبی و روش‌های مشاهده و مردم‌نگاری)، قدمی هرچند کوچک در به انجام رساندن

سهم خود برای بهبود وضعیت شهری در ایران برداریم. الگویی که در این پژوهش به کار برده شده است، به باور ما به دلایل مختلف برای دیگر شهرها نیز قابل استفاده است؛ بنابراین تلاش ما آن بوده است که در عین حال که پژوهش خود را به پیش می‌بریم، ساختارهای کلان و خرد موردنیاز برای بررسی، تشریح و تحلیل وضعیت انسان‌شناسی شهری دیگر شهرها در ایران را نیز ارائه دهیم.

رشد است این کار همچون هر کار پژوهشی و علمی، و به‌ویژه همچون تمامی تارهایی که آغازگر یک راه هستند خالی از اشکال نیست. بنابراین ضمن بر عهده گرفتن مشاغل و اشتباهات احتمالی در این کار، امید است دوستداران واقعی توسعه و سرفراز شهری ایران، ما را از نقدها و تذکرات مفید خود برای بهتر شدن تحقيقات و ارائه‌های بعدی، بی‌بهره نگذارند.

در پایان وظیفه خود می‌دانم از آقای دکتر جبار رحمانی، عضو شورای مرکزی انسان‌شناسی و فرهنگ به دلیل راهنمایی‌هایش به تیم علمی و نیز از مسئولان اداره کل مطالعات اجتماع و فرهنگی شهرداری تهران، به‌ویژه آقای مجید شمس که با درک بالای خود از مسائل اجتماعی و فرهنگی، امکان انجام این پژوهش را فراهم کردند، همچنین از مسئولان و همکاران نشر تیسرا که انتشار این کتاب را بر عهده داشتند، سپاسگزارى کنم.